

ناگهان لرزید ، هم اتاق و خانه و کوچه
هم خیابان ها و میدان ها
کشتزاره و جنگل و جالیز
بیشه و کوه و بیابان ها
ناگهان لرزید
صبح بی هنگام یا شبی تاریک
لحظه ای آرام و آهسته
لحظه ای پر شدت و پرنور
گاه و بی گاه ، بی خبر در شهر می پیچید
دور یا نزدیک
تلخ یا شیرین
زلزله در زیر پای ما
مردم دنیا
در دل ژرف زمین
چون نهر می پیچد
این زمان باید در جهان از شادی و امید
پرچمی افراخت تا که فردایی سراسر خالی از غم داشت
خانه ها را سخت و محکم باید از نو ساخت